

دانشگاه ادیان و مذاهب

رشته مطالعات تاریخ تشیع

معجزه چیست؟

استاد: **حجت الاسلام و المسلمین جباری** **زید عزه العالی**

مهدی عبدالهی

معجزه چیست؟

قرآن کریم وقوع امر خارق العاده و معجزه را برای پیامبران گذشته اثبات کرده است، از مجموع صدها حدیث از معجزات، امور خارق العاده، خبر از غیب و ... در مورد اهل بیت به روایت شیعه و سنی، اثبات می شود که ائمه اطهار نیز مانند پیامبران دارای معجزه بوده و می توانستند عند اللزوم امور خارق العاده ای را انجام دهند. از این جهت معجزات آنها مانند معجزات پیغمبر اسلام ص و سایر پیامبران است .

اعجاز و ولایت تکوینی امامان

اعجاز، دلیل قدرت بر ولایت تکوینی است. منظور از ولایت تکوینی آن است که کسی بتواند به فرمان و اجازه خداوند، در جهان آفرینش تصرف کند،

هنگامی که حضرت سلیمان به اطرافیان خویش خطاب کرد و فرمود: کدام یک از شما، تخت بلقیس را پیش از آن که خودش بیاید، برای من حاضر می کند:

– قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي^۱

آن کس که به چیزی از علم کتاب آگاه بود، گفت که من پیش از آن که چشم بر هم زنی، تخت را به این جا آرم؛ پس سلیمان چون تخت را در نزد خود مشاهده کرد گفت: این از فضل خدای من است.

قرآن نام این فرد را بیان نکرده، لکن در روایات آمده که او عاصف بن برخیا، وزیر و وصی سلیمان بوده است.

امام باقر علیه السلام فرموده اند: "همانا اسم اعظم الهی، هفتاد و سه حرف است، و عاصف تنها یک حرف از آن در اختیار داشت، که خدا را به آن اسم خواند؛ در نتیجه زمین در هم پیچیده شد، و به یک چشم بر هم زدن، تخت را حاضر کرد، در حالی که در نزد ما هفتاد و دو اسم از اسمای اعظم الهی است، و یک اسم مخصوص خداست که کسی به آن علم ندارد."^۲

روایات در این مورد فراوان است که ائمه علیهم السلام به هفتاد و دو اسم اعظم الهی آگاهند؛ بنابراین، قدرت آنها بر تصرف در عالم هستی و انجام اموری که دیگران از آن عاجزند، به مراتب از عاصف وزیر سلیمان بیش تر است.

^۱نمل، ۴۰

^۲تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۵، ص ۴۰۵، نشر دارالکتب الاسلامیه

- وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ^۳
بگو گواه بین من و شما (کفار)، خدا و کسی که در نزد او علم همه کتاب است، کافی خواهد بود.

طبق روایات، کسی که در نزد او علم همه کتاب است، علی علیه السلام می‌باشد، و در روایات، من عنده علم الکتاب، جز به آن حضرت و فرزندان او از امامان منطبق نشده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند در این آیه، ما اهل بیت پیغمبر را قصد کرده است و علی بعد از پیغمبر، نخستین و بهترین فرد ما است.^۴

معجزه چیست ؟

در این قسمت به بررسی و نقد نظرات برخی علماء پرداخته و نهایتاً نظر مختار ارائه می‌گردد:

ابراهیم امینی

معجزه کار خارق العاده ای است که از راهی غیر از راه علل و اسباب عادی و طبیعی حادث شود. (ایشان معجزه را شامل دو رکن تصرف در زمان [و نه فعل و انفعالات مادی] و نیز افاضه خداوند می‌داند)

دو راه ایجاد حقایق و پدیده های مادی

- راه متعارف، عادی و طبیعی :

- وقوع فعل و انفعالات بر ماده در طول زمان مشخص
- ایجاد استعداد پذیرش صورت معین در ماده
- افاضه وجود از جانب خدا

- راه غیر متعارف و غیر معمول :

(با خواست و مشیت خداوند و بهره مندی از نیروی غیبی و باطن و ملکوت اشیاء)

- وقوع فعل و انفعالات بر ماده آنآ (بدون مرور زمان)
- ایجاد استعداد پذیرش صورت معین در ماده
- افاضه وجود از جانب خدا

^۳ رعد/۴۳

^۴ تفسیر صافی، مرحوم فیض کاشانی، ج ۳، ص ۷۷

نفس نیرومند پیغمبر یا امام، از نیروی غیبی استفاده نموده و از طریق تصرف در باطن و ملکوت اشیاء، بدون مرور زمان ، ماده عصا را برای پذیرش صورت اژدها مهیا کرده آن گاه صورت اژدها از جانب واهب الصور بر ماده اضافه شده و اژدهایی به طور اعجاز و خرق عادت تحقق پیدا کرده است. در واقع خداوند متعال طبق اراده پیغمبر یا امام پدیده ای را از غیر مجرای عادی آن، وجود می دهد تا برای صدق گفتارشان شاهد و گواه باشد.^۵

نقد

- تصرف در زمان به عنوان یک علت در پدید آمدن معجزه امری مادی است یا غیر مادی؟
- آیا فعل و انفعالات مادی قابل شناخت و تجربه هستند یا نه؟ اگر قابل شناخت هستند تحدی معنا ندارد ، اگر قابل شناخت نیستند نیاز به دلیل دارد.

علامه طباطبایی

معجزه اتفاقی خارق العاده از علت مادی غیر عادی است.

معجزه اتفاق خارق العاده ای است که برای اثبات حق و همراه با تحدی (دعوت به چالش و مقابله) رخ می دهد.

معجزات شاهی بر ادعای پیامبران

معجزات همه پیامبران با همین هدف به وقوع پیوسته است: پیامبران می گفتند مردم عادی از آوردن چنین معجزاتی عاجزند و این شاهی بر درستی ادعای آنهاست که می گویند از جانب خدای جهانیان به سوی بندگان او مبعوث شده و برای آنان پیغامی آورده اند

معجزات متناسب با شرایط زمان

حقیقت معجزه تنها این نیست که از علل و اسباب مادی غیر عادی سرچشمه می گیرد بلکه این است که در میان سایر امور خارق العاده، وابسته به قدرت بی کران الهی است و در عصر هر پیامبری، متناسب با شرایط زمانی حاکم همان دوره رخ می دهد. مانند تناسب معجزه عصای موسی با رواج بازار سحر و جادو در آن عصر، و معجزه شفای کور و بیماری های مختلف و زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام با رواج بازار طبابت در آن عصر، و معجزه جاودان قرآن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با رواج شعر و شاعری و پویایی ادبی در عصر نزول قرآن.^۶

^۵ بررسی مسائل کلی امامت، صفحه ۳۰۵

^۶ کتاب بررسی های اسلامی، علامه طباطبائی، ص ۲۷۳ تا ۲۸۵

- در نظر علامه ، خارق العاده یا غیر عادی بودن به معنای غیرمتعارف و ناشناخته بودن علل و عوامل مادی یک معلول مادی است. در اینصورت آیا علل و عوامل مادی یک پدیده قابل شناخت توسط بشر می باشد؟ برای جواب منفی به این سؤال دلیلی نداریم و با پذیرفتن آن تحدی معجزات را نقض کرده ایم.

شهید مطهری

معجزه با دخالت ماوراء الطبیعه (خارج شدن طبیعت از جریان عادی خودش) صورت می گیرد. (ماوراء الطبیعه و ناشناخته)

معجزه نه نفی قانون علیت است و نه نقض و استثناء آن، بلکه خرق ناموس طبیعت (غیر مسیر و جریان عادی و طبیعی بوجود آمده) است. معجزه خارج شدن امری است از جریان عادی بنحوی که دخالت ماوراء الطبیعه در آن آشکار باشد. با این بیان در پیدایش معجزه، علتی بجای علت دیگر نمی نشیند بلکه این مطلب که بین علت و معلول یک نوع رابطه حقیقی و تخلف ناپذیر برقرار است پذیرفته شده ولی مسئله معجزه بدین گونه توجیه می گردد که: علل واقعی اشیاء برای بشر که می خواهد با علم و تجربه به آنها برسد همواره مجهول است و تنها خداوند آگاه بر علت‌های واقعی اشیاء است و بشر بوسیله تجربه و آزمایش فقط به یک سلسله تقارنات و ارتباطات دسترسی پیدا می کند و بیجا آنرا رابطه علیت می پندارد. روی این حساب معجزه امری است که از غیر مسیر عادی که بشر تنها مسیر پیدایش آن امر پنداشته است پدید آید.

اگر بگوییم معجزه یعنی آنچه که بدون علت پدید می آید بدیهی است که محال است. و نیز اگر بگوییم معجزه نقض قانون علیت است یعنی همانکه علتی بجای علت حقیقی و واقعی امر بنشیند، باز هم ممکن نیست. اما اگر به معنای سوم گرفتیم یعنی خارج شدن طبیعت از جریان عادی خودش در این صورت معجزه ممکن است.^۷

- تخلف در مقارنات و ارتباطات تخلف ناپذیر و تجربه شده را چگونه توجیه می کنید؟
 - طبق نظر شهید مطهری، منظور از طبیعی و عادی بودن، مطابقت با علم تجربی بشر از علل و عوامل مادی یک پدیده است، بنابراین مخالفت با علم مادی و تجربی بشر ، ماوراء الطبیعه و خارج شدن از جریان عادی محسوب می شود، در اینصورت آیا واقعاً بشر از شناخت علل و عوامل واقعی یک پدیده عاجز است؟ (اگر رابطه علیت بین آتش و گرما و هر چیز دیگر بیجاست، پس رابطه علیت قابل شناخت توسط بشر نیست.) عجز انسان از شناخت

علل و عوامل مادی بصورت مطلق نیاز به دلیل دارد، اینکه انسان عاجز است و در آینده نیز نمی تواند به علل و عوامل مادی معجزه علم پیدا کند (از اسرار عالم طبیعت است که بر خلائق پوشیده است) نیاز به دلیل دارد، اگر عاجز نیست یا ممکن است در آینده به علل و عوامل مادی معجزه هم علم پیدا کند در اینصورت تحدی نیست ، و اگر منظور علل و عوامل غیر مادی است که مقصود ما حاصل است.

معجزه، علت ماوراء طبیعی دارد.

یعنی علتی که هر چه علوم تجربی و دانش بشری افزون گردد، کشف نخواهد شد چون خارج از محدوده علل طبیعی است. یعنی معجزه از یک سو بر اساس قانون علیّت و مستند به یک علت است و از سوی دیگر این علت از علل طبیعی (خواه شناخته شده و خواه ناشناخته) نیست بلکه علتی ماوراء طبیعی است، بشر، با پیشرفت علم و دانش می تواند و برایش مقدور و ممکن است که مجموعه‌ی علل طبیعی را کشف کند. اما علت ماوراء طبیعی خارج از حیطه علم و قدرت بشر است و پیشرفت علم، آن علت را در دسترس بشر قرار نمی دهد. معجزه مستند به این دسته از علل است. یعنی در علل اینکه مستند به قانون علیت است اما فراتر از علل طبیعی است .

نقد

اگر منظور از علل ماوراء الطبیعه ، علل غیر مادی است که مقصود حاصل است، اما اگر منظور علل ناشناخته شده است که اشکالات قبلی وارد است.

جعفر سبحانی

معجزه معلول بدون علت نیست بلکه فاقد علت عادی می باشد، نه علت واقعی و حقیقی، معجزه ممکن است حاصل علل طبیعی ناشناخته یا نفوس و ارواح پیامبر یا عوامل مجرد از ماده باشد.

هر پدیده‌ای دارای علتی است که آنرا بوجود می آورد و قانون علیت و معلولیت از قوانین محکم و استوار عقل است که ابداً قابل استثناء نیست بنابراین معجزه پیامبران که خود پدیده‌ای محسوب می شود، باید دارای علتی باشد که سرچشمه وجود آن بشمار می رود اکنون باید دید معجزه پیامبران در سایه چه علتی پدید می آید.

سه علت برای معجزه پیامبران

۱- علل طبیعی؛ ۲- تأثیر نفوس و ارواح پیامبران؛ ۳- علل مجرد از ماده مانند فرشتگان

الف - علت طبیعی ناشناخته

مقصود از آن اینست که ممکن است برای پیدایش یک پدیده دو راه وجود داشته باشد یکی از آن دو راه معروف و شناخته شده باشد و دیگری مجهول و ناشناخته باشد ولی از آنجا که پیامبران با سرچشمه علم نامتناهی خدا ارتباط دارند ممکن است از راه وحی به این قسم از علل آشنا شوند و پدیده‌ای را بوجود آورند.

اتفاقاً در اجتماع ما شبیه و مانند آن وجود دارد مثلاً یک مهندس کشاورزی بر اثر آگاهی از عوامل رشد و نمو و موانع آن نهال درختی را ظرف سه سال به ثمر می‌رساند در صورتی که یک باغبان عادی و غیرمطلع از اصول گیاهشناسی این راهرا در مدت ده سال طی می‌کند. از این نظر هیچ معنی نیست که پیامبران بر اثر ارتباط با جهان غیب و در پرتو داشتن حس و شعور مرموزی بنام وحی از یک سلسله علل طبیعی مجهول و ناشناخته آگاهی داشته باشند که نوع انسانها از آن غافل و بی‌اطلاع باشند و از این طریق در ایجاد پدیده‌های مورد نظر کمک بگیرند.

ب - تأثیر نفوس و ارواح پیامبران

ممکن است برخی از پدیده‌ها معلول تأثیر نفوس پیامبران و اثر مستقیم ارواح نیرومند آنها باشند زیرا ما مرتاضان را مشاهده می‌کنیم که در پرتو ریاضت و مجاهدت به مقامی می‌رسند که قادر به انجام کارهای عجیب و حیرت‌انگیزی می‌گردند که از حیثه توانایی افراد عادی بیرون است به کارهایی دست می‌زنند که جز اینکه آنها را معلول اراده نیرومند و نیروی مرموز نفوس آنها بدانیم تفسیر دیگری ندارد. بنابراین چه مانعی دارد که بگوئیم نفوس پیامبران بر اثر توجه و عنایت بی‌پایان خداوند قادر به انجام کارهایی می‌گردند که از حیثه قدرت بشر بیرون است.

ج - علل مجرد از ماده

ممکن است در پیدایش پدیده‌ای عوامل مجرد از ماده مانند فرشته مؤثر باشد. یعنی فرشته از طرف خداوند مأمور گردد که دهکده‌ای را ویران کند و یا پس از خواست پیامبر به دست او معجزه ظاهر سازد چرا که فرشتگان مظاهر قدرت الهی و مأموران تدبیر و جنود و سپاه حقدر جهان خلقت می‌باشند و از این نظر قرآن از آنان به لفظ *فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا* تدبیرکنندگان امور خلقت و آفرینش (سوره نازعات، آیه ۵) تعبیر کرده است.

خلاصه اینکه یک پدیده طبیعی علاوه بر علت مادی می‌تواند در پرتو یکی از این عوامل سه‌گانه نیز محقق شود و هرگز علت یک پدیده منحصر به همان عامل طبیعی عادی شناخته شده نیست که منکران اعجاز تصور کرده‌اند بلکه هر یک از این عوامل می‌تواند پدیده‌ای را بوجود بیاورد و اگر در پیدایش پدیده‌ای علت عادی را ندیدیم نباید فوراً تصور کنیم که این پدیده بدون علت بوجود آمده است. و لذا در هر حال هیچ معجزه‌ای معلول بدون علت نیست بلکه فاقد علت عادی می‌باشد. نه علت واقعی و حقیقی^۸

^۸الهیات و معارف اسلامی، آیت‌الله جعفر سبحانی، ص ۲۰۳

نقد

- اولاً معجزه ای که حاصل علت طبیعی ناشناخته باشد، اشکالات قبلی را پیدا می کند.
 - تا ابد ناشناخته است، نیاز به دلیل دارد.
 - در آینده شناخت حاصل می شود، تحدی نیست.
- ثانیاً نفوس و ارواح پیامبران جزو عوامل مجرد از ماده محسوب می شود .

نظر مختار :

- معجزه بدون علت نیست، (تابع قانون عقل)
- علت معجزه، مادی نیست، (قوانین مادی قابل احصاء و تکرار است)
- علت معجزه، تابع قوانین تجربی و طبیعی نیست، (خارق قانون طبیعت)
- علت معجزه، شناخته شده و متعارف و قابل تحصیل برای دیگران نیست، (تحدی)
- علت معجزه، اراده و خواست معصوم به اذن خداست.

بنابراین در تعریف معجزه می گوئیم وقوع پدیده ای به اراده معصوم و به اذن خدا و حاصل از علل غیر مادی است.

عدم تخلف معجزه از قانون علت و معلول

قوانین عقلی (قضایای تحلیلی یا ریاضی) قابل تغییر و تخلف نیستند مانند جمع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه می شود و ... اما قوانین طبیعی (تجربی) قابل تغییر و تخلف هستند چون بشر تنها به یک سلسله از علل و عوامل طبیعی و روابط علی دست یافته است یا در تحلیل آنها دچار اشتباه شده است مانند جاذبه زمین در گذشته، بنابراین معجزه خرق قوانین طبیعی شناخته شده است اما مخالف با قوانین عقلی نیست. یکی از قوانین عقلی، قانون علت و معلول است و اینکه هیچ معلولی بدون علت حاصل نمی شود بنابراین معجزه بدون علت واقع نمی شود و خرق قانون علیت نیست.

ممکن است سؤال شود معجزه ای مانند سرد شدن آتش بر ابراهیم، معلول از علت خود تخلف کرده است، پاسخ آن است که در این معجزه، مانعی برای سوزاندن آتش به اذن و امر خدا ایجاد شده است، همانطور که آب مانع سوزاندن آتش است.

علت غیر مادی معجزه

معجزه با خواست و اراده معصوم و اذن خداوند وقوع می یابد و تابع قاعده کن فیکون است، بنابراین علت آن مادی نیست.

ناشناخته بودن علت معجزه

بشر، با پیشرفت علم و دانش می تواند مجموعه‌ی علل طبیعی را کشف کند. اما علت ماوراء طبیعه (غیر مادی) خارج از حیطه علم و قدرت بشر است و پیشرفت علم مادی، آن علت را در دسترس بشر قرار نمی دهد.

تحدی

غیر معروف و ناشناخته بودن علت معجزه، دلیل بر اعجاز و عجز دیگران از انجام آن و نیز دلیل انکار اصل معجزه توسط برخی دیگر است. پیامبر و امام به اذن خداوند، به آن دلیل ناشناخته علم و به ایجاد آن قدرت دارد.

گفته اند که :

علل مادی یا غیرمادی معجزه ممکن است توسط بشر کشف شود و خللی به معجزه وارد نمی سازد و اینکه امام یا پیامبر توانست کاری را چند هزار سال بعد علم آن برای بشر حاصل شد انجام دهند خود یک معجزه است، و مثال زده اند که درمان پیسی و برص که از معجزات حضرت عیسی بوده است، اکنون انجام می شود.

باید گفت که :

- اولاً هیچ گاه درمان پیسی و برص آنگونه که عیسی بدون دارو و طی زمان، انجام می داد بشر نتوانسته انجام دهد،
- ثانیاً اساساً تحدی معجزه به ناتوانی بشر در طول زمان است و گرنه با کشف علل آن و توانایی بر انجام آن، عظمت معجزه و حقانیت پیامبر و امام ممکن است برای انسانهای بعدی زیر سؤال رود.

بنابراین همانطور که خداوند در مورد معجزه قرآن فرموده که بشر قادر به انجام آن نیست، دیگر معجزات هم چنین است.

- فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ^۹

دلیل برخی در مادی دانستن علت معجزه

اگر علت معجزه را مادی بدانیم با مشکل سنخیت بین علت و معلول مواجه می شویم، ناچار :

- یا باید سنخیت بین علت و معلول و رابطه علی را نقض کنیم،
- یا اینکه بگوییم سنخیت بین علت و معلول وجود دارد، اما علت ها متفاوتند و در محدوده علم بشر نیستند ،
- یا بگوییم فهم بشر از درک علتها اشتباه است ولو بصورت غالبی یا مطلق.
- یا تحقق علت و معلولهای متوالی و واسطه ای را در خارج از زمان فرض کنیم که البته برای تحقق این علت و معلولهای واسطه نیز دست به دامان نیروی غیب و غیر مادی شده اند!

حال اگر علت معجزه را غیر مادی بدانیم،

اولاً رابطه علی حفظ شده است،

ثانیاً نیازی به در نظر گرفتن علت و معلولهای واسطه و توجیه زمان نیست.

بنابراین همانطور که علت غیر مادی ناشناخته است، سنخیت آن هم ناشناخته است، علت از شناخت بشر و تجربه او دور است. علم به علت و سبب معجزه، نزد خدا است که معصومین سلام الله علیها با اذن خدا به آن علم پیدا کرده و قدرت بر ایجاد آن پیدا می کند.

جالب است که برخی غیرمادی بودن علت معجزه را نمی پذیرند و برای توجیه آن باید سلسله طولانی از علل را در نظر بگیرند و گذشت آنی زمان را توجیه کنند و نهایتاً دست به دامان علل غیبی و غیرمادی شوند!

غیر مادی بودن علل و عوامل سحر و جادو توسط قرآن نیز بیان شده است:

- قَالَ الْقَوُّ فَلَمَّا الْقَوُّ سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ^{۱۰}

- فَاِذَا جِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى^{۱۱}

تصرف در چشم یک پدیده مادی و تصرف در خیال یک پدیده غیرمادی است بنابراین سحر هم می تواند دلیل مادی داشته باشد و هم غیرمادی، با اینحال چطور معجزه را منحصر در دلیل و علت مادی می دانیم؟

سحر، جادو و اموری از قبیل تله پاتی و هیپنوتیزم تسامحاً از خوارق عادت محسوب می شود. چرا که علل و عوامل آن قابل شناخت و تجربه می باشد هر چند علت پدیده هایشان تنها مادی نیست بلکه ممکن است تأثیر گذاری روحی و روانی هم باشد.

علل مادی خبر از غیب چیست؟!

نکته دیگر تحلیل اخبار از غیب توسط پیامبر و امام است که به تعبیر قرآن خود یک معجزه است :

- وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَابْرَأُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۴۹)

^{۱۰}اعراف/۱۱۶

^{۱۱}طه/۶۶

حال اگر عوامل طبیعی و مادی را علت معجزه بدانیم ، خبر از غیب چگونه توجیه می شود؟

ممکن است سؤال شود چگونه امر ما فوق طبیعت می تواند در طبیعت تأثیر گذار باشد. طبیعت و ماوراء طبیعت دو امر کاملاً مستقل و بی ارتباط با یکدیگر نیستند. عالم هستی حقیقت واحد به هم پیوسته از علل و معالیل است که از منبع و منشأ فیض و هستی یعنی خداوند آغاز می شود، و در پائین ترین مرتبه ی سلسله علل و معالیل، عالم طبیعت با مجموعه ی علل و معالیل خود قرار می گیرد. عالم طبیعت با تمام علل و معالیلش هستی و وجود خود را از عالم ماوراء طبیعت می گیرد. بنابراین عالم طبیعت نه تنها گسسته و مستقل از عالم ماوراء طبیعت نیست بلکه خود، محصول و نتیجه ی تأثیر ماوراء طبیعت است . بر همین اساس، قلمرو قانون علت و معلولی در عالم طبیعت، منحصر در رابطه ی بین علل طبیعی با معلول طبیعی نیست بلکه علل ماوراء طبیعی نیز در عالم طبیعت تأثیر می گذارند، که بارزترین نمونه ی تأثیر مافوق طبیعت در طبیعت، خلقت عالم طبیعت توسط خداوند است. تأثیر گذاری روح و نفس که امری ماوراء طبیعی است بر بدن و جسم انسان، تأثیر گذاری اعمال و نیات مثبت و منفی انسان - مانند صدقه دادن و نیت خیرخواهانه نسبت به هموعان و... در قلمرو طبیعت تأثیر فرشتگان در جهان طبیعت، نمونه هایی از تأثیر مافوق طبیعت در طبیعت است.